

نقش بصیرت در احیای تمدن اسلامی از دیدگاه نهج البلاغه

زینب زمانی^۱

چکیده

بصیرت در کلام امام علی (علیه السلام) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ به طوری که سخنان گهربار حضرت اهمیت بصیرت، را در زندگی فردی و اجتماعی انسان می‌رساند. بصیرت با عوامل مختلفی در تمدن‌سازی اسلامی نقش دارد؛ تقوی، زهد، تفکر و عبرت از عوامل مهم بصیرت در تمدن‌سازی اسلامی از دیدگاه نهج‌البلاغه شریف هستند. مقاله حاضر با عنوان «نقش بصیرت در احیای تمدن اسلامی از منظر نهج‌البلاغه» با هدف شناخت «دیدگاه نهج‌البلاغه درباره نقش بصیرت در تمدن‌سازی اسلامی» گردآوری شده است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. بررسی و تحلیل داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد؛ بین بصیرت و تمدن ارتباط مستقیمی برقرار است. بصیرت و نقش آن در تمدن‌سازی در دیدگاه امام علی (علیه السلام) در کتاب نهج‌البلاغه شریف جایگاه ارزشمندی داشته و موجب تعالی و کمال دیدگاه انسان نسبت به خود و جهان هستی دارد و موجب شتاب در مسیر حق می‌شود و فقدان این آگاهی و بینش سبب گمراهی و کجروی خواهد شد.

کلید واژه: بصیرت، تمدن اسلامی، نقش، نهج‌البلاغه.

^۱. طلبه سطح ۲ مدرسه علمیه فاطمیه دامغان

۱- مقدمه

یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح شده در آموزه‌های دینی مسلمانان، «بصیرت» است. از دیدگاه اسلام انسان بصیر کسی است که خطا نمی‌کند و حقایق بر او مشتبّه نمی‌شود و در مسائل حق را از باطل تشخیص می‌دهد.

در آموزه‌های آموزگاران دینی ما، به ویژه در سخنان امام علی (علیه‌السلام) در کلام شریف و گهربار نهج‌البلاغه تأکید بر بصیرت شده است؛ و از سخنان آن حضرت بر تأثیرگذاری بصیرت بر سایر عوامل همچون تمدن و تمدن اسلامی قابل برداشت است.

این مقاله با موضوع «نقش بصیرت در احیای تمدن اسلامی از منظر نهج‌البلاغه»؛ با هدف شناسایی مهم‌ترین عوامل بصیرت در احیای تمدن اسلامی گردآوری شده است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است. و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است.

از آن جا که تمدن، نتیجه رشد و کمال انسان است و تأثیر فراوانی در مسائل مادی و معنوی زندگی دارد، لازم است این مطلب از دیدگاه بزرگان دین که منبع وحی هستند مورد بررسی قرار گیرد. به ویژه آن که در جامعه امروز ما بصیرت و نقش آن در بخش‌های مختلف مورد تأکید مقام معظم رهبری است، ضروری است که به نقش بصیرت در احیای تمدن اسلامی از زبان قرآن ناطق پرداخته شود. هر چند صفحات این مقاله، گنجایش تمام مطالب را ندارد. اما مهم‌ترین عوامل بصیرت در احیای تمدن اسلامی را مورد کنکاش قرار می‌دهد. امید که توانسته باشد در حد ممکن حق مطلب رسانده شود.

تک نوشته و مقاله‌هایی در زمینه بصیرت و تمدن اسلامی به رشته تحریر در آمده است؛ از میان منابع موجود به طور نمونه می‌توان به کتاب «بصیرت دینی» اثر ابوالقاسم بخشیان و همکاران و مقاله «عناصر تمدن‌ساز دین اسلام» نوشته «علی حمزه وحیدی منش» اشاره کرد. از میان منابع مطالعه شده، منبعی مشاهده نشد به موضوع مقاله حاضر بپردازد؛ و پژوهش‌های انجام شده در این زمینه یا به موضوع بصیرت و یا تمدن به صورت جداگانه در نهج‌البلاغه و یا سایر متون دینی پرداخته‌اند و این مقاله از این جهت نوآوری دارد.

این پژوهش پس از پرداختن به مفهوم‌شناسی واژگان کلیدی، پیشینه بحث، اهمیت بصیرت در نهج-البلاغه؛ عوامل بصیرت در تمدن‌سازی اسلامی را مورد پژوهش قرار داده است.

۲- مفهوم‌شناسی

تعریف واژگان کلیدی موضوع از این قرار است:

۲-۱- تمدن

الف - تمدن در لغت

تمدن واژه‌ای انتزاعی است؛ (عبداللهی و دیگران، ۱۳۸۲: ۱۳۸)

این واژه مصدر عربی از باب تفعّل از ریشه «م - د - ن» گرفته شده است؛ به باور برخی واژه پژوهان، ریشه‌ی مدن معنای سکونت و اقامت در جایی را می‌رساند و واژه‌ی مدینه نیز برگرفته از آن است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳: ۴۰۲).

معادل فارسی واژه «تَمَدْن» مدنیت، تمدن، شهرنشینی و شهریت (ضدّش بدویّت) (رضایی، ۱۳۶۰: ۲۳۸) می‌باشد.

«آنچه که در بیشتر لغت‌نامه‌های فارسی از واژه‌ی «تمدن» برداشت شده است، مفهوم «شهرنشینی» را به یاد می‌آورد». دهخدا، تمدن را آراسته گشتن به اخلاق اهل شهر و درآمدن از خشونت و هجمه و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت و به نقل از اقرب الموارد، «مولد بودن» را از ویژگی‌های تمدن، برشمرده است. وی تمدن را به ترتیب «در شهر بود باش کردن و انتظام شهر نمودن و اجتماع اهل حرفه»، «اقامت کردن در شهر»، «شهرنشینی» و «مجازاً تربیت و ادب» معنا کرده است. (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱: ۶۰۹-۶۱۱).

ب - تمدن در اصطلاح

برای تمدن در اصطلاح تعریف‌های گوناگونی شده است؛ برای این که صفحات مجال پرداختن به همه آنها را نمی‌دهد یک تعریف از علامه جعفری (ره) بسنده می‌شود.

علامه جعفری؛ تمدن را تشکل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول به همراه روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه‌ها در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان‌ها در همه ابعاد مثبت تعریف می‌کند. (جعفری، ۱۳۶۲: ۱۶۱).

۱-۲- بصیرت

الف - بصیرت در لغت

بصیرت به طور کلی به مجموعه بینایی‌ها، بینش‌ها، دانایی‌ها، زیرکی‌ها، عقل، رؤیت، شاهدها، حجت‌ها، تدبیرها و دانسته‌ها، شناختها، تأمل علم و... اطلاق می‌گردد و در کتاب صحاح اللغه واژه بصیرت را این گونه تعریف کرده است.

«بصیرت الشیء رأیته: که به معنای رؤیت گرفته است. و البصر: «العلم و بصرت بالشیء: علمته، والتبصر: التأمل والتعرف المبصره الحجة». (جوهری، ۱۴۰۴، ج ۲: ۵۹۱).

بصیرت را به معنای بینایی دل گرفته است و گفته است این معنا مرادف معرفت و درک است محبت و دلیل را یکی از معانی بصیرت شمرده و این ظاهراً بدان جهت است که حجت و دلیل سبب بصیرت و بینایی است میشود گفت که نام مسبب را به سبب گذاشته‌اند.

«اقد جائکم بصائر من ربکم ای حجج بینه و مفرد بصائر بصیرت است و هی دلالة و بصیرت نور قلب است کما اینکه بصر نور چشمان است: اسمیت بها الدلالة لانها تجلوا لحق و يبصر فیها». (قرشی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۵۹ و طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۵۶).

البرهان: بعضی‌ها بصیرت را به معنای برهان گرفته‌اند. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱: ۲۵۴).

علم: بصیرت را به معنای علم هم گرفته شده است: البصر الشیء و بصر به ای عالماً به.

قوة الادراک والفطنته والعلم والخبرة، فعل ذلک عن بصيرة أى عن عقيدة و رأى و..... (زمحشری، ۱۳۹۹: ۴۰ و مصطفوی، ۱۳۳۰، ج ۱: ۲۸۰).

ب - بصیرت در اصطلاح

بهتر است برای دانستن معنای بصیرت در اصطلاح به آموزه‌های دینی مراجعه شود؛ تا معنای دقیق - تری از این واژه گفته شود. بنابراین واژه «بصیرت» ۲ بار در قرآن و مشتقات «بصر» ۱۴۸ بار در قرآن آمده است.

به طور کلی، واژه «بصر» در قرآن و احادیث، گاه درباره بینایی ظاهری و حسی، و گاه درباره بینایی باطنی و عقلی به کار رفته است. بر این اساس، مردم از نظر بینش، به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته نخست: دیده عقل آنها نزدیک بین است، آینده خود و جهان را نمی‌بینند و ادارکات آنها در محسوسات خلاصه می‌شود و به تعبیر زیبای قرآن: «آنها فقط ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند، و از آخرت (و پایان کار) غافل هستند!». (سوره روم، آیه ۷) این دسته، هر چند به ظاهر بینا هستند؛ ولی در فرهنگ دینی

مسلمانان، نابینا به حساب می‌آیند.

دسته دوم: جامع نگر و واقع نگرند؛ هم نزدیک و هم دور را خوب می‌بینند. ادراکات آنها، در محسوسات خلاصه نمی‌شود؛ هم خانه دنیا و هم خانه آخرت را می‌بینند. در فرهنگ قرآن و حدیث، این دسته از مردم، بصیر و بینا نامیده می‌شوند.

بنا بر این، بصیرت و بینایی حقیقی در متون دینی، به معنای جامع نگری و آینده نگری علمی و عملی است و کسانی «بصیر» نامیده می‌شوند که در پرتو بینش صحیح، در جهت تأمین منافع مادی و معنوی، و دنیا و آخرت خود، حرکت کنند.

در این نوشتار در مباحث آینده؛ بر اساس معنای دوم بصیرت، به نقش آن در احیای تمدن اسلامی از دیدگاه نهج البلاغه پرداخته می‌شود. و معنای منتخب از بصیرت در این نوشتار معنای دوم است.

۱-۳- نقش

الف - تعریف لغوی

جمع این کلمه «نقوش» است و این واژه در مواقع مختلفی مثل شکل و «صورت کسی یا چیزی را کشیدن» استفاده می‌شود. (عمید، ۱۳۸۹: ۱۰۶۶).

ب - تعریف اصطلاحی

در توضیح و تفسیر این کلمه باید گفت: که این واژه مهم‌ترین و اصلی‌ترین زمانی به کار می‌رود که اثر و نشانی روی زمین یا چیزی گذاشته شده و باقی مانده باشد. (حسینی نژاد، ۱۳۹۸: ۲۲).

۱-۴- تمدن اسلامی

واژه تمدن اسلامی یک واژه مرکب است که در کتاب‌های لغت تعریف آن نیامده است. بنابراین باید برای تعریف لغوی واژگان آن را به صورت جداگانه معنا کرد. معنای تمدن که گذشت.

واژه اسلامی نیز که به تمدن اضافه می‌شود این ترکیب، یک ترکیب وصفی است یعنی تمدنی که متصف به اسلام است و بر اساس آن شکل گرفته است و بینش حاکم بر آن و در واقع روح فرهنگ آن، محصول یک دین آسمانی به نام اسلام است.

بنابراین به طور کلی می‌توان گفت: «تمدن اسلامی عبارت از آن دسته نمودهای عینی و فیزیکی است که در تمدن بشری با پشتوانه فرهنگ اسلامی به وجود آمده و یا بعضاً تحولات گسترده‌ای که در

امام علی (علیه السلام) در خطبه ۱۰۳ می‌فرماید: «خدا رحمت کند کسی را که بیندیشد و سپس پند بپذیرد و اندرز بگیرد و سپس بینا گردد».

یکی از مهم‌ترین و پرثمرترین روش‌های تربیتی که در سیره پیشوایان، از جمله مولا علی (علیه السلام)، مورد توجه خاص بوده و کاربرد بسیار داشته، روش «عبرت‌آموزی» است. عبرت، حالتی است که در اثر برخورد با امور ظاهری و مشهود، برای انسان پدید می‌آید و به معرفتی باطنی و غیر مشهود منتهی می‌شود.

تشابه زندگی انسان‌ها و اقوام مختلف با یکدیگر، حسابگری و اندیشه ورزی و نیز تأثیر پذیری انسان، مبانی عبرت‌آموزی را تشکیل می‌دهند. دستیابی به بینش، بهره‌مندی از تجارب دیگران، مصونیت نسبی از خطا و در نهایت استفاده بهینه از عمر و باقی مانده آن، از پیامدهای تربیتی عبرت است. از منابع عبرت، می‌توان به حوادث و تحولات تاریخی، سرگذشت اقوام و ملل، شگفتی‌های خلقت، حیات و مرگ تمدن‌ها، عظمت و انحطاط دولت‌ها، تجربیات اولیه خود انسان و در یک کلام، دنیا و سنت‌های حاکم بر آن اشاره کرد. (سلطانی رنانی، ۱۳۸۵: ۷۹).

بر این اساس عبرت‌آموزی و پند از سرگذشت پیشینیان با بصیرت ارتباط مستقیم دارد؛ و این رابطه بر تمدن‌سازی اسلامی و احیای آن نیز مؤثر است.

۵- نتیجه گیری

بصیرت و بینایی حقیقی در متون دینی، به معنای جامع نگری و آینده نگری علمی و عملی است و کسانی «بصیر» نامیده می‌شوند که در پرتو بینش صحیح، در جهت تأمین منافع مادی و معنوی، و دنیا و آخرت خود، حرکت کنند.

تمدن اسلامی عبارت از آن دسته نمودهای عینی و فیزیکی است که در تمدن بشری با پشتوانه فرهنگ اسلامی به وجود آمده و یا بعضاً تحولات گسترده‌ای که در برخی نهادها و نمودهای عینی جامعه بشری با این پشتوانه پدید آمده است.

موضوع بصیرت در زمان حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به دلیل در هم آمیختن بیش از حد حق و باطل و گمراه شدن جامعه اهمیت خاصی یافت که شاید در دوره‌های پیش و پس از آن این چنین نبود. با بررسی کلام گهربار امیر المؤمنین علی (علیه السلام) عوامل تقوی، زهد، تفکر و عبرت به عنوان عوامل ایجاد بصیرت و روشن بینی به وضوح و به دفعات در خطابه‌ها و حکمت‌های ایشان بیان شده است.

هر یک از این عوامل یاد شده به طور مستقیم بر بصیرت، بینش و آگاهی انسان نقش دارد؛ و همچنین به طور مستقیم این عوامل بر تمدن‌سازی اسلامی و احیای آن نقش مؤثر دارد.

بنابراین انسان بصیر کسی است که با تفکر اندیشه درست را برگزیند و از سرگذشت پیشینیان عبرت بگیرد و با تقوی و زهد خود جامعه را به سمت تمدن‌سازی و احیای آن سوق دهد. در نتیجه مسلمانان به لحاظ برخورداری از توانمندی‌های بالا، می‌توانند تمدنی متناسب با نیازهای انسان معاصر بیافرینند؛ چنان‌که در گذشته این توانایی را از خود نشان داده‌اند.

پیشنهاد پژوهشی

به پژوهشگران علوم دینی پیشنهاد می‌شود، به عوامل آسیب‌زای تمدن اسلامی از دیدگاه نهج‌البلاغه بپردازند.

منابع

*قرآن کریم؛ ترجمه: محمد مهدی فولادوند.

*نهج البلاغه؛ ترجمه: محمد دشتی.

الف - کتاب‌های فارسی

۱. ابن میثم، کمال‌الدین میثم بن علی (۱۳۷۵)؛ شرح نهج البلاغه ابن میثم، جلد ۲، مترجم: محمدصادق عارف و همکاران، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۲. برومند اعلم، عباس (۱۳۸۰)؛ درآمدی بر جایگاه مسجد در تمدن اسلامی، تهران: ستاد اقامه نماز.
۳. جعفری، محمدتقی (۱۳۶۲)؛ ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، جلد ۵، تهران: فرهنگ اسلامی.
۴. حسینی نژاد، مجتبی (۱۳۹۸)؛ نقش مادر در عفت دختران، تبریز: انتشارات عاصم.
۵. دشتی، محمد (۱۳۸۵)؛ ترجمه نهج البلاغه، مشهد: انتشارات قدس رضوی.
۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)؛ لغت نامه‌ی دهخدا، جلد ۱، تهران: دانشگاه تهران، چاپ نخست.
۷. رضایی، محمد (۱۳۶۰)؛ واژه‌های قرآن، تهران: انتشارات مفید.
۸. طالقانی، محمود (۱۳۴۵)؛ پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۹. عبداللهی و دیگران، محمد (۱۳۸۲)؛ نقش علوم اجتماعی در گفتگوی تمدن‌ها، تهران: ناشر توسعه، چاپ نخست.
۱۰. عمید، حسن (۱۳۸۹)؛ فرهنگ عمید، تهران: اشجع با همکاری میکائیل.
۱۱. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)؛ تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۲. قرشی، علی اکبر (۱۳۶۷)؛ قاموس قرآن، جلد ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۳. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۹)؛ مبانی شناخت، ویراستاران: محمد هادی خلقی و قاسم شیرجعفری، قم: مؤسسه قرآنی دارالحديث، چاپ نخست.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶ش)؛ پیام امام امیرالمومنین (علیه السلام)، جلد ۱۴، ۱۵، ۱۲، ۲، تهیه و تنظیم: جمعی از فضلاء، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ نخست.

ب - کتاب‌های عربی

۱. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق)؛ **معجم المقائیس اللغة**، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی، چاپ نخست.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)؛ **لسان العرب**، جلد ۹ و ۱۳، بیروت: دار صادر.
۳. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴ق)؛ **صاحح اللغة**، جلد ۲، تحقیق: أحمد عبد الغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ سوم.
۴. زمخشری، محمد بن عمر (۱۳۹۹ق)؛ **اساس البلاغه**، بیروت: دارصادر.
۵. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ش)؛ **مجمع البحرين**، تهران: مکتبه المرتضویه، چاپ سوم.
۶. مصطفوی، حسن (۱۳۳۰)؛ **التحقیق فی کلمات قرآن الکریم**، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ سوم.

ج - پایان‌نامه‌ها

۱. رضائی، نیره (۱۳۹۵)؛ «**شاخص‌های تمدن در آیات قرآن**»، پایان نامه سطح ۳، مدرسه تخصصی فاطمیه دامغان.
۲. سهرابی طرقي، حسین (۱۳۹۰)؛ «**بصیرت دینی در آموزه‌های دینی**»، پایان نامه کارشناسی ارشد (رشته علوم حدیث؛ گرایش نهج البلاغه)، دانشکده علوم و حدیث.
۳. سید عزمی، عباس (۱۳۹۷)؛ «**شیوه‌های بصیرت‌افزایی جامعه نسبت به دشمن در نهج البلاغه**»، مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره)، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم و حدیث.

د - مقاله‌ها

۱. اکبری، مرتضی و رضائی، فریدون (۱۳۹۴)؛ «**واکاوی شاخص‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله)**»، فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، دوره ۳، شماره پیاپی ۵، صص ۸۵-۱۰۸.
۲. دنگچی، مهدی (۱۳۹۴)؛ «**احیای تمدن اسلامی از نگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری**»، فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش، شماره ۲۲، صص ۵-۳۱.
۳. زاهدی، عبدالرضا و کریمی درچه، محمد (۱۳۹۲)؛ «**زهد و ساده زیستی و نقش آن در رشد فردی و اجتماعی از منظر آیات و روایات**»، فصلنامه معرفت اخلاقی،

شماره ۱۴، صص ۲۴-۴۱.

۴. سلطانی رنانی، مهدی (۱۳۸۵)؛ «عبرت در اندیشه علوی»، فصلنامه فرهنگ کوثر،

شماره ۶۶، صص ۷۹-۸۹.

۵. قنبرپور، معصومه (۱۳۹۲)؛ «عوامل احیای تمدن اسلامی از دیدگاه مرحوم

طالقانی»؛ دوفصلنامه احسن الحدیث، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، پیش شماره ۱، صص ۷۷

-۹۶.

۶. وحیدی منش، حمزه علی (۱۳۸۶)؛ «عناصر تمدن ساز دین اسلام»، مجله علمی و

ترویجی معرفت، شماره ۱۲۳، صص ۱۵-۳۴.

ه - وبسایت‌ها

۱. پرتال جامع علوم انسانی.

۲. کتابخانه تبیان.

۳. نورمگز.